

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی ربیافت

سال شانزدهم، شماره ۵۸، بهار ۱۴۰۱
صفحه ۲۱۳ تا ۲۳۴

جایگاه امنیت مالی شهروندان در نظام فقهی و حقوقی

محمد عباسی اتویی / دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
m.abbasi6047@gmail.com

علی بابایی مهر / استادیار گروه حقوق عمومی واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده
مسئول). gatbabayee@iauc.ac.ir

داود قاسمی / استادیار مدعو گروه حقوق عمومی واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. استادیار
گروه حقوق دانشگاه غیرانتفاعی شمال، آمل، ایران، ghasemid@shomal.ac.ir

چکیده

امنیت مالی یکی از مهم‌ترین مولفه‌های حقوق شهروندی است که تأمین آن از سوی دولت یا حاکم اسلامی ضروری بوده و با مراجعه به شریعت اسلامی، قرآن، آیات و روایات توجه به این مسئله را به وضوح می‌توان مشاهده نمود. از این رو مقاله حاضر درصدد «بررسی جایگاه امنیت مالی شهروندان در نظام فقهی و حقوقی» است؛ سؤال اصلی تحقیق این است که، جایگاه امنیت مالی در نظام فقهی و حقوقی اسلام و ایران چگونه است؟ چگونه است و به چه شیوه‌ای بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد؟ فرضیه مقاله این است که، مهم‌ترین وظیفه حاکم در شریعت اسلام تأمین امنیت مالی شهروندان از طریق اتخاذ تدابیری از جمله تعیین سیاستهای کلی صحیح برای حفظ امنیت اقتصادی شهروندان و پافشاری بر اجرای آن از طریق سازوکارهای قانونی برای عدم ورود لطمه و تهدید به امنیت مالی می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فقه شیعه ظرفیت بسیار بالایی برای تهیه یک چارچوب حقوقی منسجم برای تضمین امنیت اقتصادی و مالی جامعه را دارد و اساساً نظام اقتصادی جمهوری اسلامی نیز به پشتوانه همین نظام حقوقی توانسته است قوانین امنیت مالی و اقتصادی و شرایط ثروت‌آفرینی را فراهم کند. روش تحقیق در این مقاله کیفی از نهوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

کلیدواژه: امنیت مالی، حقوق شهروند، فقه اسلامی، نظام حقوقی، قدرت نرم.

تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۸/۰۴

این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای محمد عباسی اتویی می‌باشد

مقدمه

امنیت موضوعی است که با حیات فردی و اجتماعی انسان همراه بوده و از نیازهای اساسی او محسوب می‌شود. امید به زندگی، پیشرفت و ترقی در بسیاری از زمینه‌ها اعم از پیشرفت فرهنگی، اقتصادی و دستیابی به صنعت و تکنولوژی در پرتوی امنیت میسر و ممکن است. موضوع بسیار مهم در مبحث امنیت بر خلاف سنخ قدیمی آن خارج شدن از فاز سخت‌افزاری و مطرح بودن آن در حوزه نرم‌افزاری با طیف متنوع و گسترده می‌باشد (Human Security Handbook, 2017: 7). به گونه‌ای که امروزه می‌توان از امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت نظامی و امنیت حقوقی سخن به میان آورد از این رو به منظور داشتن یک بحث معنادار از امنیت در هر بستری ضروری است که سطوح مرتبط با آن را مشخص کنیم. اینکه بر چه سطحی از سیاست امنیتی تمرکز کنیم یک انتخاب سیاسی است که انعکاسی از نظریه سیاسی مرتبط با آن است (Powell, 2012: 1-20).

امنیت حقوقی یک مفهوم فلسفی در تفکر مدرن است که توسط نظریه‌های قانون طبیعی، مثبت‌گرایی قانونی، انسان‌شناسی حقوقی مطرح و مورد بررسی قرار گرفته‌اند مضاف بر این معنای معاصر این مفهوم به عنوان امنیت اجتماعی توسط نویسندگان آلمانی گوستاو رادبروخ تدوین شده است که در واقع شاهد تبدیل شدن امنیت اجتماعی به امنیت حقوقی هستیم که این مفهوم (امنیت حقوقی) در واقع و در متون حقوق بشری دربردارنده سه نوع امنیت یعنی امنیت انسانی (امنیت فرد)، امنیت اجتماعی و امنیت سیستم حقوقی است (Boyka Ivaylova, 2017: 23-29).

یکی از مهم‌ترین انواع امنیت حقوقی «امنیت مالی» است. امنیت مالی به معنای آن است که حقوق مالی شهروندان، دارایی، و نتیجه کارها و ابتکاراتشان مورد حمایت و تضمین شده باشد که این مسئله در فقه و شریعت اسلامی بدان اشاره شده و بر اهمیت آن تاکید کرده‌اند چرا که امنیت مالی، حس ناامنی حقوقی و روانی را در جامعه از بین برده و سبب ایجاد احساس امنیت حقوقی و روانی در جامعه خواهد شد به گونه‌ای که امروزه این نوع حق، جزئی از حقوق شهروندی به حساب می‌آید.

در سال‌های پس از فروپاشی شوروی توجه متفکرین روابط بین‌الملل به ابعاد غیرنظامی امنیت همانند مشروعیت، هویت، اقتصاد، مسائل ملت‌سازی، مشارکت عمومی، اجماع‌نخبگان و قانونگرایی معطوف شد. در این رهیافت، امنیت یک امر متکثر و توزیع شده در جامعه به شمار می‌آید که عموم شهروندان با مجموعه باورها، ارزش‌ها، جهت‌گیری‌ها و

انتخاب‌هایشان در تقویت یا تضعیف آن نقش ایفا می‌کنند. اما توجه به عناصر فرهنگی-مالی در دوران اخیر که انقلاب نوین اطلاعاتی متصدی تغییر ماهیت قدرت شده و مردم را در معرض زنجیرهای از روابط تازه قرار داده اهمیت مضاعفی یافته است. امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب، امنیت را یکی از ارکان بقای جامعه و تأمین آن را یکی از کار ویژه‌های نظام سیاسی تلقی می‌کرد اگرچه واژه‌هایی چون امنیت مالی به طور مستقیم در کلام امام کمتر استفاده شده است. امام امنیت را نه تنها در سطح مالی بلکه در خدمت تکامل و غایت انسان یعنی نیل به سعادت دنیوی و اخروی دانسته و از این رو ابعاد گسترده‌تری برای امنیت قائل بودند.

بنابراین، امنیت مالی و تحقق آن در شریعت اسلامی و تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر آن بسیار حائز اهمیت می‌باشد؛ زیرا به دست‌اندرکاران حوزه قانونگذاری و امنیتی در جهت ترسیم محیط مناسب امنیتی مالی در کشور بر اساس قدرت نرم حاکم بر کشور و نیز ارتباط بین تأثیر امنیت مالی در تحقق امنیت روانی و توسعه اقتصادی کمک می‌کند. بر همین اساس، پس مسئله اصلی این است که جایگاه امنیت مالی در نظام فقهی و حقوقی چگونه است و به چه شیوه‌ای بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد که در این تحقیق بدان پرداخته خواهد شد.

مبانی نظری؛ فقه سیاسی

فقه در تعریف مشهور «استنباط احکام شرعی فرعی از ادلهٔ تفصیلی کتاب، سنت، اجماع و عقل» است (فیرحی، ۱۳۹۱: ۲۶). این استنباط بر مبنای یک آپاراتوس نظری عمل می‌کند که فی الواقع میانجی نص و تاریخ است؛ دستگاهی که ورودی آن سولاتی برآمده از تحولات تاریخی است، نظام تجزیه و تحلیل آن برآمده از چارچوبهای تئوریک و روش‌شناسی فقهی است، و خروجی آن باید متناسب با نص باشد: «چنان که در نگاه ابتدایی دیده می‌شود دستگاه فقه سیاسی چونان مینجی نص و تاریخ عمل می‌کند. کارویژهٔ آن انتقال پرسشهای تاریخی به نص و برعکس، منتقل کردن جریان نص در تاریخ است. اما پیچیدگی تحلیلی بسیاری در کارکرد دستگاه فقه سیاسی و نسبت این دستگاه دانایی با نص و تاریخ وجود دارد (فیرحی، ۱۳۹۱: ۴۶)». اما این دستگاه دانایی چه نسبتی می‌تواند با امنیت داشته باشد؟

اگر نگاهی تاریخی داشته باشیم فقه امنیت در ادامه چنین دیدگاهی قابل فهم و ارائه است. در سنت اسلامی از دانش سیاسی به «علم مدنی» تعبیر می‌شد. اندیشمندان تمدن اسلامی علم

مدنی را به دو بخش فلسفه مدنی و فقه مدنی تقسیم می‌کردند. فقه سیاسی، مواجهه دوسویه زندگی سیاسی و نصوص اسلامی از طریق زبان و دستگاه فقه است یا همان تعامل و دیالکتیک نص و تاریخ. در دستگاه فقه شیعه، بر طبق یک طبقه‌بندی، شریعت به چهار بخش عبادات، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم می‌شود. ظاهراً محقق حلی برای نخستین بار این ابواب را برای فقه تعریف کرده است. و بیشتر فقیهان بعد از او نیز این بخش بندی را پذیرفته‌اند. هرچند شکل ابتدایی این تقسیم در آثار فقهای قبل از وی، از جمله سلار دیلمی دیده می‌شود (لکزایی، ۱۳۹۰: ۴۶).

اما غایت این دستگاه فکری چیست؟ در واقع فقه در یک نگاه کلان به دنبال حفظ مقاصد شریعت است که چیزی نیست جز حفظ نفس، حفظ دین، حفظ عقل، حفظ نسب و حفظ مال. برای مثال، منع زنا و منع زنا با محارم در اصل برای حفظ نسب انسانهاست. یعنی در هر حکم شرعی یک علت یا دلیل عقلانی وجود دارد که اگر افراد بر آن آگاه شوند بی تردید با کمال میل آن را می‌پذیرند. به این موضوع با عنوان مقاصد الشریعه اشاره می‌شود. مقاصد الشریعه عبارت است از مشخص کردن هدف خداوند از تشریح احکام و قوانین. به دیگر سخن، مقاصد الشریعه یعنی غایت و هدف قانون‌گذاری را مشخص کردن و از آن در اجتهاد و استنباط احکام استفاده نمودن. این بحث تا حد زیادی مورد توجه علمای اهل سنت قرار گرفته و در فقه عامه نفوذ زیادی پیدا کرده است. فقهای اهل سنت در بحث مقاصد الشریعه به دنبال بررسی و یافتن این موضوع هستند که هدف خداوند از تشریح این قوانین چه بوده است و چه غایتی را دنبال کرده است. به این ترتیب با استفاده از آن هدف و غایت، به استنباط و اجتهاد می‌پردازند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۲۹۰).

البته مقاصد الشریعه عموماً از فقهای اهل سنت است (فیرحی، ۱۳۹۱: ۶۷) با این حال در «علل الشرایع» شیخ صدوق مضامینی در این رابطه می‌توان یافت که فقها آنها را تحت عنوان حکم نه علت در مباحث فقهی کنار گذاشته‌اند. صرفنظر از روایات که مقاصد الشریعه در آنها فراوان یافت می‌شود اگر به آیات توجه نماییم به جز محوریت حق، عدالت، احسان، مصلحت، امتنان، کرامت، احترام به مال، جان، اعراض در احکام الهی می‌توان از آیات امر به معروف و نهی از منکر عناصری چون خیر و معروف را از مقاصد الشریعه و منکر را از اهداف مناهای شرع استفاده نمود (عمیدزنجانی، ۱۳۹۱: ۱۹۹). فلذا اگرچه عناوین متفاوت‌اند اما ساختار استدلال یکسان است. از همین رو، اهل فن گفته‌اند: «عنوان مقاصد الشریعه در بسیاری از نصوص کتاب و سنت مستفاد می‌گردد و تطبیق آن در مورد تعارض ادله و یا فرضاً

«مالا نص فیه» به عنوان تطبیق عقلی است که نص مستقیماً بدان اشارتی ندارد. می‌توان گفت در مقاصد الشریعه به این معنی جنبه نص و بر جنبه عقلانی ترجیح دارد و در حقیقت استنتاج از مقاصد الشریعه نوعی استظهار از نص است با این تفاوت که در نصوص عام و خاص تطبیق که یک عمل عقلانی است بر مصادیق و افراد قریب به نص است در حالی که در مقاصد الشریعه تطبیق نص بر مصادیق و افراد بعید می‌باشد (عمیدزنجانی، ۱۳۹۱: ۱۹۸).

بنابراین، از یک نگاه کلان، می‌توان گفت که «فقه» اساساً دستگاه تدارک «امنیت» است، البته به واسطهٔ صدور احکامی که باید پنج مقصد عالی بشری را در بستر تعاملات اجتماعی و مناسبات انسانی تامین کند. این مقاصد در اصل همان علل الشریعی هستند که شارع مقدس اصولاً برای تامین همین اینان وحی را نازل کرده است و بدیهی سعادتمندی بشری چیزی غیر از این نمی‌تواند باشد. فلذا این چارچوب به عنوان مبنای عقلانی شریعت و متعاقباً دستگاه فقه است، می‌توان چراغ راه «فقه امنیت» در معنای عامش قرار بگیرد. پس می‌توان فقه امنیت را در این پنج دسته طبقه‌بندی کرد:

«حفظ نفس» که «امنیت جانی» است، به وسیله برخی از احکام فقهی از قبیل قصاص، دیه و دفاع تأمین می‌شود؛ «حفظ دین» که «امنیت فرهنگی» به شمار می‌آید، به وسیله برخی از احکام فقهی از قبیل حرمت نگهداری و خرید و فروش کتب و ابزارهای فرهنگی گمراه‌کننده (ضاله)، حرمت موسیقی طرب‌انگیز، وجوب تعلیم مسائل شرعی و مبارزه با ارتداد تأمین می‌شود؛ «حفظ عقل» یا «امنیت روانی» به وسیله برخی احکام فقهی از قبیل تحریم مسکرات و حد آنها تأمین می‌شود. «حفظ نسب» یا «امنیت خانواده»، به وسیله برخی احکام فقهی از قبیل تحریم زنا، احکام مربوط به محرم و نامحرم، حجاب، ازدواج، طلاق و عده تأمین می‌شود. «حفظ مال» یا «امنیت اقتصادی»، به وسیله برخی احکام فقهی از قبیل تحریم غصب و سرقت و خیانت و راهزنی تأمین می‌شود (لکزایی، ۱۳۹۰: ۵۰).

۲- رویکرد سلبی و ایجابی و دیدگاه اسلام در خصوص امنیت

اگرچه بحث از سلبی یا ایجابی بودن امنیت در رویکرد اسلامی، بحثی مستقل به شمار می‌آید اما در حد نوشتار حاضر به این نکته کلی اشاره می‌شود که منطق و الگوی رفتاری اسلام در حوزه امنیتی بیشتر با گفتمان ایجابی قابل درک و تحلیل است. از جمله مستندات این مدعا می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: یکم، پیامبر اکرم با ابتدای رسالت سیاسی‌اش بر «صلح» عملاً مقوله تهدید را به حاشیه رانده و بدین وسیله نگرش ایجابی را بر سلبی حاکمیت می‌بخشد. دوم، نقد جنگ و منازعه از سوی پیامبر اکرم به گونه‌ای که بسیاری از قبایل، اسلام

را پدیده‌ای ارزیابی می‌کردند که آنها را از «ناامنی‌ها» رهایی می‌بخشید و به امنیت رهنمون می‌کرد. سوم، دعوت اسلام به وضعیت ایمن و سخن گفتن از اطمینان به عنوان غایت امنیت، نقدی جدی بر نظریه سلطه است که از سوی سلبی‌گرایان پیشنهاد شده است. چهارم، محوریت ایمان در گفتمان اسلامی که جنبه نرم‌افزاری دارد، ذم شیطان که وجه درونی دارد، و تأکید بر اصل «رحمت» در میان مسلمانان که از جایگاه عالی تحصیل رضایت مسلمانان حکایت دارد؛ تماماً از مؤیدات دیگر ایجابی‌نگری در حوزه مطالعات اسلامی امنیت است.

۱-۲- امنیت در اسلام

کلمه (امن) در لسان العرب به معنای امنیت و امانت آمده است. او امنیت یافت و من امنیت دیگران را تأمین کردم. این کلمه از امن و امان و ضد ترس است (بن منظور، ۱۹۹۷: ۱۳). و اما امنیت دادم یا ایمنی دادم او را (متعدی) به معنای ضد ترساندن او است، مطابق با فرموده خداوند متعال: «الَّذِي أَعْطَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ: همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت»، (قرآن، سوره قریش، آیه ۴).

ایمان با امنیت در ارتباط است. اگر از مفهوم امنیت، آرامش ظاهری استفاده می‌شود، در این صورت ایمان همان اطمینان و آرامش قلبی و اقرار عملی است و مؤمن کسی است که به آنچه اعتقاد دارد و آن را تصدیق می‌کند اطمینان دارد، از این رو عبادات خود را با اطمینان و آرامش انجام می‌دهد. چنانکه خداوند متعال فرمود: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»: آنان که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرامش می‌یابد. آگاه باشید که دل‌ها به یاد خدا آرامش می‌یابد» (سوره الرعد الآية ۲۸). بنابراین امنیت، صلح و آرامش و ثبات، و نفی ترس و اندوه- جنبه منفی امنیت و صلح- با پیروی از هدایت و وحی خداوند مرتبط است،

۲-۲- امنیت از منظر قرآن

بهترین راه شناخت دیدگاه اسلام راجع به مفهوم امنیت، رجوع به منابع اولیه اسلام است و قرآن کریم اولین منبع احکام اسلامی است. قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان می‌داند. خداوند از نعمت امنیت به عنوان هدیه بسیار بزرگ و مهم، برای بندگانش یاد نموده است. ارزشمندی مقوله «امنیت» در جامعه اسلامی از منظر قرآن کریم کاملاً روشن است. از نظر قرآن چنان که هر ملتی فاقد «امنیت» به معنی وسیع آن باشد، مورد عنایت و تفضل الهی نخواهد بود و نعمت‌هایی که در سایه امنیت می‌توانست از آنها بهره‌مند شود در محیط آشوب و بلوا از میان جامعه رخت برمی‌بندد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۵:

۱۲۳) در قرآن کریم آیات زیادی درباره اهمیت و جایگاه رفیع امنیت، در زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی انسان وارد شده است که از باب اشاره، می‌توان به آیه ۵۵ سوره نور اشاره نمود. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»، «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد، همانگونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد و آن دینی که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیم‌شان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.» (قرآن، سوره نور، آیه ۵۵). در قرآن آیات بسیاری راجع به امنیت وجود دارد که بیان تمامی آنها از حوزه این بحث خارج است، لذا به صورت اجمالی و گزینشی اشاراتی به این آیه‌ها شده است.

۳-۲- امنیت از دیدگاه روایات

در سخنان معصومین (ع) و روایات آن بزرگواران مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده است که در بخش ابعاد امنیت به طور تفصیلی به آنها اشاره خواهد شد و در اینجا فقط از باب نمونه مواردی ذکر می‌شود. پیامبر اکرم می‌فرماید: «هر کس که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد جهان سراسر مال اوست» (فرید تنکابنی، ۱۳۷۴: ۵۹). امام علی (ع) یکی از ویژگی‌های عصر جاهلیت را فقدان امنیت و پرفته‌بودن این دوران می‌داند. عصری که به تدبیر امام؛ فتنه‌ها، مردم را لگدمال و با سم‌های محکم خود، نابودشان کرده بود. مردم حیران و سرگردان، بی‌خبر و فریب‌خورده، در کنار بهترین خانه (کعبه) و بدترین همسایگان (بت پرستان) زندگی می‌کردند و خواب آن‌ها بیداری، و سرمه چشم آنها اشک بود. در چنین وضعیتی، اسلام با ماهیتی امنیت‌آور توسط پیامبر نازل و معرفی شد. (مجلسی، ۱۳۷۰) همچنین، بنا به بیان امام علی (ع)، «خداوند اسلام را وسیله امنیت برای گروندگانش قرار داد.» (نهج‌الابلاغه، ۱۳۸۱: ۳۴-۳۷) امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، ضمن تاکید بر انتقاد پیمانهای صلح برای تأمین امنیت، پیشگیری از عوامل تهدیدکننده امنیت را نشان می‌دهد و می‌فرماید: «و از صلحی که دشمن، تو را بدان خواند و رضای خدا در آن بود، روی متاب که آشتی، سربازان تو را به آسایش رساند و از اندوهایت برهاند و شهرهایت ایمن ماند. زنه‌ار زنه‌ار از دشمن خود پس از آشتی بپرهیز که بسا دشمن به نزدیکی گراید تا غفلتی یابد و کمیت خود را بگشاید... پس دوراندیش شو و

به راه خوش گمانی مرو.» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱: ۳۴-۳۷) از دیدگاه اسلام، حفظ و تأمین امنیت از وظایف حکومت اسلامی است. به طور کلی حضرت علی (ع) وظیفه حکومت را در سه چیز اعلام می‌دارد: ۱- اصلاح اهل ۲- عمران بلاد ۳- حفظ ثغور. مطالب فوق به خوبی بیانگر اهمیت و جایگاه رفیع امنیت در قرآن و روایات است.

۳- حقوق شهروندی

۱-۳- شهروندی در اسلام

بررسی تاریخی، جامعه‌شناسی و دینی نشان می‌دهد که اعتقاد به وجود پاره‌ای حقوق فطری و ضروری برای بشر که قانونگذار بشری نباید آن را نادیده بگیرد از دیرباز وجود داشته است. در اسلام و مسیحیت اعتقاد به این حقوق که ناشی از اراده الهی و لازمه کرامت انسانی است وجود دارد. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۶)

در فرهنگ الوسیط آمده که وطن هر مکانی است که شخص در آن زندگی کند و منظور از وطن: محل زندگی انسان و محل سکونت وی، و تعلق وی به آن مکان است، چه در آن متولد شده یا نه (انیس و دیگران، ۱۴۱۵ ه.ق). در یک تعریف کلی شهروندی (Citizenship): عبارتست از "رابطه بین فرد و دولت، که توسط قانون آن کشور وضع شده و وظایف و حقوق مربوط به آن رابطه تعریف شده است. ضمناً شهروندی و تابعیت بر سطحی از آزادی که با مسئولیت‌هایی همراه است، دلالت می‌کند، و به طور کلی حقوق سیاسی را به شهروندی اعطا می‌کند" (الحسبان، ۲۰۱۱: ۲۷). آل عبود (۲۰۱۱م) شهروندی را از دیدگاه اسلام چنین تعریف می‌کند: "مشارکت و ارتباط کامل بین یک فرد و سرزمین مادری وی بر اساس مبانی اعتقادی، ارزشی، اصول، اخلاق، و برخورداری از حقوق و انجام وظایف همراه با عدالت و برابری، در سایه یک رابطه متقابل مثمر ثمر که به امنیت، سلامتی، پیشرفت و شکوفایی میهن و شهروند در همه زمینه‌ها منجر می‌شود، و موجب احساس غرور و افتخار به تابعیت و تعلق به آن کشور می‌شود". این محقق، تعریف آل عبود از شهروندی را اساس خود قرار داده و تأکید می‌کند که تابعیت و شهروندی در اسلام شامل مسلمانان و غیرمسلمانان می‌شود، به اعتبار آنکه آنها اهل سرزمین اسلام هستند.

دائرة المعارف بین المللی عرب، شهروندی و تابعیت را همانطور که توسط (المحروقی، ۲۰۰۸ میلادی) ذکر شده، چنین تعریف می‌کند: "تعلق داشتن به یک ملت یا یک میهن". و در دائرة المعارف انگلیسی اینگونه تعریف شده است: "رابطه بین یک فرد و کشور وی که توسط قانون آن کشور تعریف شده و وظایف و حقوق متقابل مربوط به آن رابطه در آن

کشور را شامل می‌شود، از جمله اینکه این شهروندی شامل مرتبه‌ای از آزادی همراه با مسئولیت است". (الکواری، ۲۰۰۱: ۶۶) ذکر نمود. در فرهنگ لغت علم جامعه‌شناسی چنین تعریف شده است: یک موقعیت یا یک رابطه اجتماعی برقرار شده بین یک فرد عادی و یک جامعه سیاسی، که از طریق این رابطه طرف اول وفاداری را ارائه می‌دهد، و طرف دوم حمایت و محافظت را بر عهده می‌گیرد و این رابطه توسط قانون تعیین می‌شود (غیث، ۱۹۹۵، ۵۶).

همچنین مشخص است که شهروندی شامل دو جنبه اصلی است: جنبه نظری که (میهن پرستی) نامیده می‌شود، و شامل جنبه معرفتی و وجدانی نسبت به نظام ارزشی کشور، و جنبه (رفتاری) که به معنای پرداختن به نظام ارزشها و اصول توسط مردم یک کشور نسبت به وطن و جامعه خود و در همه جوانب فعالیتهای زندگی آنها است، به گونه‌ای که منافع همگان، چه فرد و چه کشور تحقق یابد. (آل عبود، ۲۰۱۱ م).

دیدگاه اسلام درباره شهروندی براساس مجموعه‌ای از مبانی استوار است، از جمله اینکه: هدف شهروندی در اسلام، تأسیس جامعه‌ای صالح است که قانون شرع خداوند را در همه ابعاد زندگی به کار گیرد، و کاربردهای کلی ایده شهروندی و ارزشهای آن باید برخاسته و بر اساس اصول شرع باشد. به عنوان مثال، صحبت در مورد چارچوب کلی آزادی بیان و عقیده خارج از مقررات و ضوابط اسلامی لازم برای ایده آزادی، باید ابزاری برای سازندگی باشد، نه وسیله‌ای برای تخریب و فساد و آزار و گسترش خصومت‌ها. شهروندی در مفهوم اسلامی عبارت است از مجموعه‌ای از روابط متقابل بین سرزمین اسلامی و همه مسلمانان و سایر فرقه‌هایی است که در آن ساکن هستند، از جمله ملتها و مذاهب دیگر و همچنین بین این افراد با یکدیگر است. و اینکه منافع اطرافیان شهروندی در اسلام در تضاد و تعارض نیست. بخاطر اینکه حول یک هدف می‌چرخد، و آن ایجاد جامعه‌ای اسلامی مطابق با دیدگاه اسلام است (الحسان ۱۴۱۶ ه.ق).

با نگاهی تحلیلی آمیز به این مبانی درمی‌یابیم که مفهوم شهروندی در اسلام بر مبانی و پایه‌های محکم اسلام بنا نهاده شده است که عبارتند از: مبانی اعتقادی، مبانی قانونگذاری، مبانی عبادی و مبانی اخلاقی که روابط افراد با یکدیگر را در جامعه واحد تنظیم می‌کند.

۲-۳- حقوق شهروندی در اسلام

حقوق شهروندی و حقوق بشر از دیدگاه اسلام قانونی صحیح و معتبر است که از سوی خدا و از طریق وحی به دست ما رسیده است و مطابق با مصالح واقعی انسان‌ها است و از این

رو، ارزش قانون به مطابقت با مصالح مادی و معنوی انسان‌ها ارزیابی می‌شود. طبق این دیدگاه، بشر تکویناً و تشریحاً بنده خداوند متعال می‌باشد و برخلاف متفکران غربی که انسان را در برابر خدا هم آزاد می‌پندارند، بر تسلیم و فرمانبرداری انسان‌ها در برابر خدا تأکید می‌ورزد. لذا تعریف حقوق بشر از دیدگاه اسلام به گونه زیر است: «حقوق بشر آن امور ثابت و پایدار و مشترک در همه انسان‌هاست که هر انسانی به جهت انسان بودن باید آن را دارا باشد و آن را داراست و این حق را خالق انسان در آغاز تولد برای او قرار داده است.» (داوری، ۱۳۸۹: ۶-۹). حقوق بشر که به عنوان امری مشترک در بین همه انسان‌ها یاد شده است، نیز بی دلیل نیست چرا که از منظر اسلام؛ انسان ماهیتی دارد مرکب از فطرت و طبیعت که در همه بشر مشترک می‌باشد و این که در نهایت در این تعریف اشاره به این مسئله شده است که این حق را خالق انسان در آغاز تولد برای او مقرر نموده است به دلیل دفع این شبهه مقدر است که ممکن است مطرح شود که در بحث حقوق بشر و طبیعی و فطری کاری با خالق آن نداریم و بعد از آن را بررسی می‌کنیم. چه این که بدون این قید این اشتباه ممکن است رخ دهد که این حقوق را طبیعت به بشر داده است حال آن که طبیعت خود مخلوق است و از خود چیزی ندارد تا بتواند به دیگری عطا کند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۴۰).

۴- یافته‌های پژوهش

در بحث امنیت مالی در اسلام توجه به چند نکته بسیار اهمیت دارد اولاً، اسلام برای تمامی افرادی که در قلمرو جامعه اسلامی زندگی می‌کنند امنیت مالی آنها را محترم می‌شمارد حتی در خصوص غیر مسلمانان، ثانیاً، اسلام شهروند را هم از منظر افرادی که مسلمان بوده و در قلمرو جامعه اسلامی زندگی می‌کنند می‌داند و هم افرادی که خارج از قلمرو اسلامی وارد سرزمین‌های اسلامی می‌شوند با توجه به دو نکته فوق به بررسی مبانی فقهی و حقوقی امنیت مالی به عنوان یک حق شهروندی در اسلام پرداخته می‌شود.

۱-۴- امنیت مالی در اسلام

اسلام، امنیت مال مسلمان که خداوند آن را برای حیات و زندگی بشر قرار داده و دوست داشتن آن را به عنوان یک غریزه در درون انسانها نهاده، تضمین نموده است. خداوند متعال فرمود: «وَتُحِبُّونَ الْمَالََ حُبًّا جَمًّا: و مال را بسیار دوست دارید» (قران کریم، سوره فجر: آیه ۲۰)

اسلام با منع مسلمان از خوردن حرام و منع او از کسب و کارهای ممنوع و نامشروعی که که با شرع منافات دارند، امنیت مال او را تضمین نموده است، زیرا کسب و کار حرام و

نامشروع برکت را ازین می‌برد «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ: خدا از [برکت] ربا می‌کاهد (ازین می‌برد)، و بر صدقات می‌افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد» (بقره: ۲۷۶)، «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ: به مردم بگو: پلید و پاک، یکسان نیست، گرچه عدد ناپاکان تو را به تعجب وادارد. پس ای صاحبان خرد! از خدا پروا کنید، باشد که شما رستگار شوید» (مائده: ۱۰۰).

اسلام همچنین با واجب کردن زکات ایمنی مال را تضمین کرد؛ تا باعث ازدیاد مال و رشد و طهارت فرد گردد، خداوند متعال فرمود: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ: از داراییهایشان صدقه بستان تا آنان را پاک و منزه سازی و برایشان دعا کن، زیرا دعای تو مایه آرامش آنهاست، و خدا شنوا و داناست» (توبه: ۱۰۳).

اسلام هرگونه تصرف ظالمانه و مغرضانه در مال مسلمان را حرام کرد، رسول خدا (ص) فرمودند: «لَا يَحِلُّ مَالُ أُمَّرٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِطَبِئِهِ مِنْ نَفْسِهِ: حلال نیست که در اموال مسلمانان تصرف کنیم مگر اینکه او طیب نفس داشته باشد (یا مجوز فسخ داشته باشیم)» (صحیح بخاری، ۱۴۱۲: ۷۶۶۲)

۲-۴- امنیت مال و اموال شهروندان خارجی در اسلام

مهم‌ترین حقی که باید برای شهروند در اسلام به رسمیت شناخت، حق امنیت است که با پذیرش و ورود وی به کشور این حق بر عهده دولت و ملت مسلمان نهاده می‌شود. مصونیت و محافظت از زندگی شهروند چه در قالب شهروندی حقیقی و چه به عنوان "غیرمسلمان بیمه شده" از مهم‌ترین حقوقی است که قوانین شرع اسلام برای وی تضمین نموده و تجاوز به این حقوق، از هر ملیتی و مذهبی که باشد، ناجوانمردی و خیانت محسوب می‌شود، بنابراین اسلام برای شهروندان در جامعه اسلامی حق امنیت جان و مال و آبروی آنها را محفوظ دانسته و اینکه تازمانی که در سرزمین اسلامی باشند، نه از مسلمانان و نه از غیر آنها هیچ تعرضی نباید صورت بگیرد. و شدیداً تأکید کرد که مجازات سختی در انتظار هر کسی است که حرمت خون آنها را نگه نداشته یا به آنها آسیبی وارد کند، طبق حدیثی که عبدالله بن عمر از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمودند: «هرکسی که شخص هم پیمانی را بکشد، عطر و بوی بهشت را که از یک مسیر چهل ساله به مشام می‌رسد، استشمام نخواهد کرد» (الشوکانی، ۲۰۱۰: ۷-۱۴). بنابراین بر اساس مقدمه فوق می‌توان بیان داشت که شرع مقدس اسلام زیباترین مثالهای مصونیت و حفاظت از جان و مال مستأمن بیمه شده "فرد خارج

از قلمرو جامعه اسلامی^{۱۲} را بکار برده است، زیرا حفاظت از مال، همانند حفاظت از جان، یکی از اهداف شریعت شمرده می‌شود، تا جایی که فقهاء گفته‌اند که اگر شخص مستأمن در سرزمین اسلام مالی بدست آورد، صاحب آن مال خواهد بود و مالکیت آن از وی جدا نخواهد شد، حتی اگر به سرزمین کفر و جنگ بازگردد و مسلمانان را بکشد و بر محافظت از اموال هم پیمانان بعنوان حق آنها در تملک اموالشان باید بسیار مواظبت نمود (إسماعیل محمد مشعل، بی تا، ۸-۱۲).

قوانین شرع اسلام به مال شخص مستأمن بیمه شده اهمیت زیادی داده است، تا جایی که بین مال او و مال یک هم‌وطن تفاوتی قائل نشده، و حتی قوانین شرع اسلام در رابطه با تجاوز به اموال محترم، برای کسی که اقدام به تجاوز به مال مستأمن، با سرقت و یا زورگیری یا از بین بردن آن کند، مجازاتی مناسب برای وی تأیید و در نظر گرفته است. اگر شخص گردشگر مسلمان باشد، هیچ تفاوتی بین مال او و مال یک هم‌وطن مسلمان در لزوم در نظر گرفتن مجازات حد برای سارق آن، چه مسلمان چه غیر مسلمان، وجود ندارد. اما اگر شخص گردشگر غیر مسلمان باشد، بنابراین مال او یا ذینفع مباح است و یا بدون منفعت و غیر مباح باشد، و منظور از اموال ذینفع مباح، اموالی است که مالکیت آنها برای یک مسلمان صحیح و جایز است که عبارت از هر چیزی است بجز شراب و خوک، و اما اموال بدون منفعت غیر مباح، اموالی است که یک مسلمان نباید آن را در اختیار داشته باشد، مانند شراب و خوک.

۳-۴- مبانی فقهی و شرعی امنیت مالی در اسلام

در فقه اسلامی، قواعد بسیاری در خصوص حمایت از اموال و حقوق مالی افراد وجود دارد که از آن به «اصل احترام به حق مالکیت» مبتنی بر آیات و روایات و سیره مشهور است. لذا در قواعد فقهی، حقوق مالی اشخاص، از اهمیت و جایگاه مهم و ارزشمندی برخوردار هستند به گونه‌ای که اموال افراد همپای جان آنهاست. قاعده «حرمت اکل مال به باطل» یک اصل کلی حقوقی است که پیش زمینه بسیاری از موارد قانونی و مبنای وضع بسیاری از قواعد حقوقی جزئی تر است. طبق این قاعده، منع استفاده بلاجهت از نتایج عمل دیگری، حاصل می‌شود. بدین ترتیب پیامدها و نتیجه فعالیت اقتصادی هر شخص تنها متوجه خودش می‌شود و اشخاص نمی‌توانند بدون جهت و بدون پرداخت از آثار خارجی مثبت فعالیت دیگری سود ببرند. (کسنوی، ۱۳۹۶: ۱۱۶) همچنین به موجب قاعده حرمت اکل مال به باطل، هیچ کس نباید از عمل خلاف خویش سود ببرد، چرا که سود بردن از عمل خلاف، خوردن مال به صورت غیرقانونی محسوب می‌شود. بنابراین اگر کسی به صورت غیرقانونی منافعی به

دست بیاورد، ضمن استرداد آن منافع، در مواقعی می‌توان وی را به جبران خسارت هم محکوم کرد. همچنین طبق این قاعده می‌توان شخصی را که طبق قاعده احسان، از ضرر اقتصادی نجات می‌دهد، یا در غیاب مالک به اداره اموال وی می‌پردازد، مستحق پاداش دانست چرا که عمل شخص محترم است و حتی مال محسوب می‌شود و یا حتی در حوزه قراردادهای که شخصی بلاجهت دارا شود. در این صورت طبق قاعده اکل مال به باطل، باید از مالک حمایت گردد و حقوقش تضمین شود.

در آموزه‌های حقوقی اسلام دستورهای مهمی برای حمایت از حقوق مالکیت وجود دارد. اهمیت این موضوع در حقوق اسلامی به حدی است که می‌توان ادعا کرد اکثر قواعد فقهی مربوط به حقوق مالکیت به تبیین روش‌های حمایت از حقوق مالکیت اختصاص دارد. طبق قاعده احترام، تصرف در مال غیر و اتلاف آن بدون عوض، جایز نخواهد بود (دزفولی، ۱۳۶۹: ۳۹۹) مهم‌ترین مستند این قاعده از قرآن کریم، آیات چهارگانه مشهور به "اکل مال بالباطل" است: آیه اول، "یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض منکم ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً" (آیه ۲۹ سوره نساء) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به ناروا مخورید، مگر آن که داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما (انجام گرفته) باشد. در رابطه با این آیه باید گفت که ابواب مسائل تجارت بر مالکیت خصوصی پایه‌گذاری شده و از فروع و احکام آن است، به عبارتی این آیه دلالت بر مالکیت خصوصی دارد. (حمیدی میانجی، ۱۳۸۲: ۴۸)

آیه دوم، "ولا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل وتدلوا بها الی الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الناس بالإثم وأنتم تعلمون" (آیه ۱۸۸ سوره بقره) که اموال خود را در بین خود به باطل مخورد و آن را به عنوان رشوه به سوی حاکمان و قاضیان سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را به گناه و معصیت بخورید در حالی که می‌دانید. مرحوم علامه طباطبایی آیات مبارکه مذکور و دیگر آیات مرتبط را مدرک و مستند حق مالکیت و تسلط مردم بر مال خویش دانسته است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷۳-۷۴)

از سوی دیگر این قاعده، مستند به دو روایت مهم و مشهور است. حدیث اول تصرف در مال دیگری بدون رضایت او را حرام شمرده و حدیث دوم حرمت مال مسلمان را همانند حرمت خون او دانسته است (حدیث نبوی (ص): "حرمة مال مسلم کحرمة دمه" مال مسلمان همانند خورش محترم است. و روایت "المسلم اخو المسلم لا یحل ماله الا عن طیب نفس منه").

قاعده «حرمت اکل مال به باطل» یک اصل کلی حقوقی است که پیش زمینه بسیاری از موارد قانونی و مبنای وضع بسیاری از قواعد حقوقی جزئی تر است. طبق این قاعده، منع استفاده بلاجهت از نتایج عمل دیگری، حاصل می شود. بدین ترتیب پیامدها و نتیجه فعالیت اقتصادی هر شخص تنها متوجه خودش می شود و اشخاص نمی توانند بدون جهت و بدون پرداخت از آثار خارجی مثبت فعالیت دیگری سود ببرند. (کسنوی، ۱۳۹۶: ۱۱۶).

در فقه اسلامی قواعدی وجود دارند که مبنای قوانین و مقررات مختلف و متعددی قرار می گیرند و با توجه به کلیت و شمول خود، فقیه از آن ها استفاده می کند. بعضی از این قواعد، در جهت حمایت از مالکیت است و به شیوه های گوناگون، مالکیت اشخاص را تضمین می کند. در آموزه های حقوقی اسلام دستورهای مهمی برای حمایت از حقوق مالکیت وجود دارد. اهمیت این موضوع در حقوق اسلامی به حدی است که می توان ادعا کرد اکثر قواعد فقهی مربوط به حقوق مالکیت به تبیین روش های حمایت از حقوق مالکیت اختصاص دارد. این قواعد به چند دسته تقسیم می شوند. بعضی قواعد بر سلطه و اختیار آزاد انسان بر مالکیتش تاکید دارند و آن را به رسمیت می شناسند و بعضی بر مطلق حرمت و ممنوعیت تعرض به حقوق مالکیت و لزوم جبران خسارت (ضمان) در صورت تعرض به حقوق مالکیت دلالت می کنند.

۴-۴- قاعده تسلیط و امنیت مالی در اسلام

یکی از قواعد مسلم فقهی، قاعده ای است که گاهی از آن به «قاعده تسلط» یا «قاعده تسلیط»، تعبیر می شود؛ ولی در عبارت فقها به قاعده سلطنت معروف است. تمسک به این قاعده به دوران های اولیه فقه اسلامی بازمی گردد، هر چند که در متون فقهی قرون اول و دوم، نه به این قاعده، بلکه به متن حدیثی که بعدها مستند آن قرار گرفته، تمسک شده است. مفاد قاعده این است که هر مالکی، نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می تواند در آن هر گونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بکند، و هیچ کس نمی تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفات منع کند. به عبارت دیگر، به موجب این قاعده، اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای مالک مجاز است، مگر آن که به موجب دلیل شرعی خلاف آن ثابت گردد (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۲۲۷).

فی الواقع قاعده تسلط از مشهورترین قواعد فقهی است و به علت کاربرد وسیع اقتصادی و اجتماعی اش، از دیرباز از اساسی ترین قاعده های فقه اسلام بوده است. این قاعده تثبیت کننده ارکان مالکیت است و به علت جایگاه خاص اموال و مالکیت در زندگی روزمره بشر،

اهمیت و برجستگی خاصی در بین سایر موضوعات دارد. اهمیت اموال و مالکیت در مکاتب الهی و حتی نظامهای غیر الهی یک اصل اساسی و مسلم برای تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه است؛ به طوری که به موجب حدیث نبوی «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» مال مسلمان مانند خونش محترم شمرده شده است (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

سلطنت مالک بر اموال به معنای آن است که وی هر گونه تصرفی در مال خود انجام دهد و این سلطه با تصرف محقق می‌شود که لازمه آن، ممنوعیت تصرف دیگران است. (آشتیانی، بی‌تا: ۲۴۰) مال به دلیل اهمیت خود، از جمله مصالح خمسه شمرده شده و لذا هر آن چه که مال محسوب گردد و با توجه به توسعه مصادیق مختلف مال، می‌توان این قاعده را بر آن مال حاکم دانست. بر اساس قاعده تسلیط است که تصرفات دیگران در مال وی ممنوع بوده و حتی برخی فقها قیمت گذاری اجناس احتکاری را ممنوع می‌دانند (نجفی، ۴۰۴: ۴۷۷)؛ و این قاعده به عنوان یک اصل اولی، تصرفات دیگران را ممنوع اعلام می‌کند. بنابراین برای مالک، امنیت مالی محقق می‌شود چرا که رسمیت شناختن مالکیت فردی، نیازمند ایجاد سازوکارهای لازم برای حمایت و حفاظت از مال است.

۵-۴- قاعده احترام به مال و عمل در اسلام

این قاعده به معنای آن است که مال مسلمان و عمل وی (که مال محسوب می‌شود) مصون از هر گونه تعرض و تصرف مجانی است. این قاعده موجب حفظ و امنیت مال و عمل می‌گردد. به این معنی که هر گونه تصرف در مال بدون اجازه مالک ممنوع بوده و اگر خسارتی به مال وارد شود یا تعرضی نسبت به آن صورت گیرد، با ضمانت اجرا همراه خواهد بود. مالکیتی که از راه مشروع و قانونی ایجاد بشود، دارای احترام است و تصرف غیرمجاز از سوی هرکسی حتی حکومت، ممنوع می‌باشد. همچنین عمل مسلمان هم از حرمت برخوردار است و کار مسلمان نباید بدون مزد و پاداش باشد. این قواعد موجب تأمین امنیت مالی می‌گردد و تکمیل کننده قاعده تسلیط می‌باشد که در راستای حفظ مال و حقوق مالی وضع شده‌اند.

جایگاه امنیت مالی در فقه سیاسی

امنیت مالی یکی از نکاتی که در بیشتر مسائل فقهی رعایت می‌شود. برای مثال در احکام غضب بر وجوب رد عین مال حکم می‌شود. «حکم فقهای امامیه به وجوب رد عین مال غضبی، حتی اگر موجب ویرانی و تلف مال غاصب باشد، افزون بر این که عامل حفظ نظم اجتماعی، اقتصادی، احترام به مالکیت و امنیت مالی می‌باشد، مانع اعمال سلطه‌جویی

متجاوزان به حقوق و حدود جامعه نیز می‌گردد تا سلطه جویان نتوانند با استیلا ناحب بر مال دیگران، صاحب مال و مالک را مجبور به قبول بدل مالی نمایند که فرضاً در ستون ساختمان‌های به کار رفته است (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۱۵۴). از سویی دیگر، امنیت مالی در نظام حقوقی - سیاسی اسلام چنان جایگاه والایی دارد که به جز خود مسلمانان حتی اهل ذمه همچون مسیحیان و یهودیان نیز به راحتی از این امتیاز بهره می‌برند، آن هم در شرایطی که «یهودیان سالهای سال در کشورهای اسلامی در کمال آرامش و امنیت مالی و جانی زندگی می‌کردند با آنکه در همان زمان دولت‌های مسیحی و در رأس آنها حکومت نازی‌ها بدترین و سخت‌ترین فشارها و شکنجه‌ها را بر آنان وارد می‌کردند (منتظری، ۱۳۶۷: ۲۳۶)». لذا امنیت مالی در بنیاد فقه است چرا که همان گونه که گفته شد به طور کلی کارکرد فقه چیزی جز تامین مقاصد خمس و علل الشرایعی نیست که در بنیان عقلانی نزول ادیان قرار گرفته است. یعنی آنکه قصد شارع مقدس از تشریح چیزی جز تامین این مقاصد نبوده و با تامین این مقاصد است که سعادت آدمی برآورده می‌شود. اما به طور اخص جایگاه امنیت مالی در فقه سیاسی را می‌توانیم در فقه مشروطه نایینی مشاهده کنیم و امتداد آن تا دوره معاصر در واقع مبتنی بر مباحث نظری فقه سیاسی عصر مشروطه است. نایینی نظم سیاسی - حقوق مستقر را در دو دسته کلی می‌آورد: تملیک و ولایتیه. که در اولی تمام ملک و رعیت و هر آنچه در آن است ملک طلق ارباب قدرت است و در دیگری تنها امانتی است در دست آنها. که بدیهی است این دو الگو تبعات مختلفی دارند: «این دو قسم از سلطنت، متباین و در لوازم و آثار، متمایزند؛ زیرا مبنای قسم اول به جمیع مراتب و درجاتش، بر قهر و تسخیر مملکت و اهلش در تحت ارادات دل‌بخواهانه سلطان، و صرف امکانات اقتصادی و غیراقتصادی در جهت اهداف خود، و مسئول نبودن در اقدامات، مبتنی و متقوم است، و حقیقت این قسم از سلطنت به اختلاف درجاتش، خداوندی بر مملکت و اهلش خواهد بود؛ بر خلاف قسم دوم؛ زیرا حقیقت آن عبارت است از ولایت بر اقامه وظایف مربوط به نظم و حفظ مملکت، نه مالکیت، و امانتی است نوعیه در صرف قوای مملکت، که قوای نوع است، در این مصارف، نه در شهورات خود؛ و از این جهت اندازه استیلا سلطان، به مقدار ولایت بر امور مذکور، محدود و تصرفش، چه به حق باشد یا به اغتصاب، به عدم تجاوز از آن حد مشروط خواهد بود. آحاد ملت با شخص سلطان در امور اقتصادی و غیراقتصادی از قوای نوعیه شریک، و نسبت همه به آنها متساوی و یکسان، و همه متصدیان امور، همگی امین نوعاند نه مالک و مخدوم (فیرحی، ۱۳۹۴: ۱۲۴)». بدیهی اگر اصل تاسیسی نظم اجتماعی در فقه سیاسی مبتنی

بر مدل تملیکیه باشد در این نظم مدنی امنیت مالی شهروندان معنایی ندارد (مانند عصر قاجاریه)؛ اما وقتی نظم سیاسی بر مبنای الگوی ولایتیه تاسیس شد (مانند عصر جمهوری اسلامی) قواعد امنیت مالی در چارچوب قانون اساسی و قوانین موضوعه از کلان‌ترین تا خردترین مسائل جاری می‌گردد و طبق مقاصد الشریعه و علل الشرایع می‌تواند تضمین‌کننده حقوق مالی شهروندان باشد. پس می‌توان گفت که امنیت مالی در فقه سیاسی در ابتدا باید در رکن رکن حقوق عمومی تاسیس شود و سپس به حقوق خصوصی تعمیم داده شود.

آسیب‌شناسی امنیت مالی در ایران

فصل سوم قانون اساسی ج.ا. درباره حقوق ملت است. اصل بیستم با پیش‌فرضهایی از حقوق طبیعی و شرع اسلامی بر حق‌های پایه شهروندی تاکید می‌کند: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» همچنین در ادامه، در اصل بیست‌ودوم بر امنیت بسیاری از شئون زندگی انسانها تاکید می‌کند: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» این موارد دقیقاً مفاهیم و قواعدی است که نقطه اوج آمال همه سیستمهای حقوقی پیشرفته جهان است و از جهاتی دیگر همه آرزوها و مطالبات ملت ایران از پیشامشروطه تا انقلاب اسلامی بوده است. و حتی از سویی دیگر، فقدان این حقوق یکی از علل عدم پیشرفت ایران در طول تاریخ بوده است. این موارد مورد توجه رهبری نظام نیز واقع شده است. برای مثال رهبری در بیانات ۱۳۹۶/۸/۳ می‌فرماید: «در زمینه‌های مختلف، امنیت مهم است. من به‌مناسبت اینکه امروز یکی از مسائل اساسی کشور، مسئله اقتصاد و معیشت مردم است، اشاره کنم که اقتصاد هم نیازمند امنیت است؛ بنای اقتصادی کشور هم بایستی بر یک بنیاد امنی نهاده بشود.» یا در موردی دیگر، در همین راستا، فرموده‌اند: «مسئله امنیت سرمایه‌گذاری خیلی مهم است؛ بخشی از امنیت سرمایه‌گذاری مربوط می‌شود به دستگاه قوه مجریه، بعضی هم به دستگاه‌های دیگر مثل قوه قضائیه و دستگاه‌های گوناگون دیگر (بیانات ۱۳۹۶/۳/۲۲)». این مسائل دقیقاً مصادیق همان چیزی است که بعضی از متفکرین، مانند محمدعلی همایون کاتوزیان، از آنها به عنوان فقدان امنیت اقتصادی و نبود تضمینی برای مالکیت خصوصی یاد می‌کنند که متعاقباً موجب عدم انباشت سرمایه و توسعه نیافتگی ایران شده است. ریشه این وضعیت به این نکته باز می‌گشت که مالکیت و امنیت اقتصادی در ایران محترم نبود و دولت ولایت تملیکیه بر جان و مال ملت داشت: «بخش بزرگی از زمینهای

زراعی در مالکیت دولت بود، و بخش دیگر به اراده دولت به زمینداران واگذار می‌شد. در نتیجه، دولت هر لحظه که اراده می‌کرد می‌توانست ملک یک زمیندار را به خود منتقل یا به شخص دیگری واگذار کند. بنابراین، زمیندار، حق مالکیت نداشت، بلکه مالکیت امتیازی بود که دولت به او می‌داد و هر زمان می‌خواست پس می‌گرفت (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۷۳). کاتوزیان از این وضعیت به جامعه کلنگی یاد می‌کند که در آن فقدان حق مالکیت و امنیت اقتصادی موجب عدم انباشت سرمایه شده و نتوانسته پیشرفتی را حاصل کند: «از آنجا که تداوم درازمدتی در میان نبوده، جامعه ایران در فاصله دو دوره کوتاه تغییراتی اساسی به خود دیده و به این ترتیب تاریخ آن بدل به رشته‌ای از دوره‌های کوتاه مدت بهم پیوسته شده است. بنابراین اگر به این معنی بگیریم تغییرات این جامعه فراوان - و اغلب نمایان - بوده و چنانکه گفتیم تحرک اجتماعی در درون طبقات گوناگون بسیار بیشتر از جوامع سنتی اروپایی بوده است. اما بنابر آنچه گفتیم در این جامعه تغییرات انباشتی درازمدت، از جمله انباشت درازمدت مالکیت، ثروت، سرمایه و نهادهای اجتماعی و خصوصی، حتی نهادهای آموزشی، بسیار دشوار بوده است. بدیهی است که این نهادها در هر دوره کوتاه مدت وجود داشته یا به وجود آمده است، اما در دوره‌های کوتاه مدت بعد یا بازسازی شده یا دستخوش تغییراتی اساسی شده است. نشانه‌های ماهیت کوتاه مدت جامعه به معنایی که یاد کردیم در سراسر تاریخ دیرینه ایران، خواه دوران پیش از اسلام و خواه دوران اسلامی، یافت می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶)».

لذا می‌توان گفت از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، فقه امنیت دقیقاً یکی از بنیادی‌ترین علل انحطاط تاریخی ایران را نشانه می‌رود و برای آن، در چارچوب یک نظام حقوقی منسجم، راه درمانی ارائه می‌کند و از منظر فقهی برای رونق و رشد اقتصادی حکم می‌کند که «ضروری است در جامعه زمینه امنیت سیاسی - اقتصادی در زمینه‌های مختلف فراهم گردد، تا مردم با آرامش خاطر بتوانند در کارهای اقتصادی درازمدت سرمایه‌گذاری کنند، و اندیشه‌های خلاق و سرمایه‌ها به سمت و سوی تولید جهت پیدا کند، و برنامه‌ریزی اقتصادی به گونه‌ای باشد، که امکانات و سرمایه‌ها بر تولید متمرکز گردد، و در بخش خدمات و تجارت به اندازه نیاز و ضرورت اکتفا شود (منتظری، ۱۳۶۸: ۲۳۸)».

با چنین چشم انداز و دورنمایی است که می‌توان سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی ابلاغ شده از سوی رهبری را فهمید:

۱ حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راه‌های قانونی و مشروع؛ ۲ هدف از امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می‌کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است؛ ۳ قوانین و سیاست‌های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشند؛ ۴ نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرائم و مسائل اقتصادی باید دقیق و روشن و تخصصی باشد؛ ۵ شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیتهای اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد.

نتیجه‌گیری

امروزه حق برخورداری از حقوق شهروندی در بردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعدی است که جهت رعایت حقوق طرفین پیش‌بینی گردیده و تضمیناتی که در اسناد بین‌المللی حقوق شهروندی به عنوان یکی از حقوق به رسمیت شناخته شده مورد اشاره قرار گرفته محور و مبنای متحدالشکل نمودن در حوزه‌های مختلف می‌باشد که یکی از مصادیق حقوق شهروندی حق برخورداری از «امنیت مالی» است مهم‌ترین نتیجه‌ای که از بحث این مقاله در رابطه با حق امنیت مالی در فقه و شریعت اسلام می‌توان گرفت این است که این حقوق موجب جریان یافتن توسعه و پیشرفت در جامعه شده لذا در این راستا اسلام و شریعت اسلامی بسیاری از اصول مهم و شناخته شده حقوق شهروندی را پیش‌بینی کرده است و از این حیث می‌توان گفت که کلیه اصول موجود در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی در فقه و شریعت اسلام وجود دارد و با خلأ تقنینی خاصی مواجه نیست، بنابراین در خصوص مصادیق حقوق شهروندی از جمله «حق امنیت مالی» در فقه و مقایسه آن با قوانین موضوعه می‌توان نتیجه گرفت که فقه و شریعت اسلام به پشتوانه قرآن، سنت، عقل و اجماع از ظرافت و جامعیت بیشتری در تعریف، تبیین و تشخیص این حق (امنیت مالی) برخوردار بوده و نگاهی دقیق و موشکافانه‌تری به نسبت حقوق موضوعه دارد. لذا در تبیین و بررسی مصادیق حق امنیت مالی پیشنهاد می‌شود که با توجه به اینکه در فقه اسلامی شهروندی یعنی «تعلق داشتن به یک ملت یا یک میهن» که این معنی بسیار گسترده‌تر از تعریف حقوق موضوعه از شهروند مبنی بر «انسان‌های ساکن و مقیم در یک کشور، اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت کشور و تحت حاکمیت آن هستند» می‌شود

به تبع این تعریف و گستردگی دایره شمول حق امنیت مالی به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی گسترده‌تر و وسیع‌تر از دایره شمول و تعریف آن در قوانین موضوعه و حقوق بشری نگریسته شود.

توانایی کشورها برای استعانت از قدرت نرم برای پیشبرد اهداف خویش به خصوص اهداف مالی- اقتصادی بسیار حائز اهمیت بوده و با توجه به مشروعیت‌زایی و همراهی کشورها با سیاست‌های اتخاذ شده توسط کشور اقدام کننده، شناسایی و تحصیل منابع قدرت می‌تواند یاری دهنده کشورها در امنیت مالی باشد. در همین راستا، یکی از مراجع شناسایی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی نظام و اسناد فرادستی است. در این سیاست و اسناد، ارتقای ظرفیت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در راستای ارتقای قدرت نرم اقتصادی و تضمین امنیت مالی شهروندان مدنظر است و می‌توان منابع اقتصادی و مالی قدرت نرم را شناسایی کرد که در تعامل و پیوند با یکدیگر بوده و در راستای دستیابی به جایگاه اول منطقه‌ای ایران حائز اهمیت است.

منابع و مآخذ:

- قران کریم
- ابستام، بو معزه (۲۰۲۰) مقصد الأمن فی الشريعة الإسلامية وأثر الإرهاب عليه، **مجلة المعيار**، مجلد ۲۴، عدد ۵۱.
- إسماعيل محمد مشعل، فاطمه. (بی تا). **حقوق السائح في الإسلام بحث مقدم إلى مؤتمر القانون والسياحة كلية الحقوق جامعة طنطا، كلية الدراسات الإسلامية و العربية للبنات بالمنصورة - جامعة الأزهر.**
- آشتیانی، محمد حسن، (بی تا) **القواعد الفقيه (بحر الفوائد)**، جلد دوم.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۵) **کالبد شکافی تهدید، تهران: دانشگاه امام حسین.**
- آل عبود، عبدللاسعید (۲۰۱۱) **قیم المواطنة لدى الشباب واسهامها في تعزيز الأمن الوقائي.** رسالة دكتوراه منشورة. جامعة نايف العربية للعلوم المنية: الرياض.
- أنیس، و آخرون (۱۴۱۵ هـ). **المعجم الوسيط**، ط ۴، مكتبة الشروق الدولية: مجمع اللغة العربية.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۲) **آموزش دانش سیاسی، نشرنگاه معاصر چاپ سوم ویرایش**
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). **حق و تکلیف در اسلام، قم: اسراء.**
- الحسان، محمد إبراهيم. (۱۴۱۶) **ال مواطنة وتطبيقها في المملكة العربية السعودية.** دار الشبل للنشر والتوزيع: الرياض.
- داوری، محسن. (۱۳۸۹). **مفهوم حقوق بشر در تعالیم اسلامی، مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی، مقاله ۳، دوره ۱۱، شماره ۳۱.**
- دزفولی، مرتضی، (۱۳۶۹) **کتاب المکاسب المحرمة و البیع و الخيارات**، جلد ۱، منشورات دار الذخائر، قم.
- الشوکانی، محمد بن علی بن محمد بن عبدالله. (۲۰۱۰). **ذیل الأوطار من أسرار منقذ الأخبار (ت: حلاق)، الناشر: دار ابن الجوزی، سنة النشر: ۱۴۲۷، عدد المجلدات: ۱۶، رقم الطبعة: ۱.**
- صحیح اللبخاری**، کتاب الجزیه، باب امان النساء و جوارهن (۱۰۰/۴) رقم ۳۱۷۱ صحیح مسلم کتاب صلاه
- فاضل لکراتی، محمدجواد (۱۳۹۶) **مکاسب محرمة (جلد یکم)**، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)
- طباطبایی، علامه سید محمد حسین، (۱۳۷۴) **تفسیر المیزان**، جلد ۷، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۵) **عدالت و امنیت، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۳**
- عبداللهی، عبدالکریم (۱۳۸۸). **قوا عدی از فقه، قم، بوستان کتاب**
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱). **قوا عد کلی عقود کتاب البیع و المتاجر، تهران، خرسندی**
- احمدی میانجی، (۱۳۸۲) **مالکیت خصوصی در اسلام، جلد ۱، تهران، نشر دادگستر.**
- غیث، محمد عاطف. (۱۹۹۵) **قاموس عالم الاجتماع، دار المعرفة: الإسكندرية.**
- فريد تنكايي، مرتضى، (۱۳۷۴) **نهج الفصاحة، تهران، نشر فرهنگ اسلامی**
- فیرحی، داود (۱۳۹۱)، **فقه و سیاست در ایران معاصر: فقه سیاسی و فقه مشروطه، تهران، نشر نی**
- فیرحی، داود (۱۳۹۴)، **آستانة تجدد، تهران، نشر نی**
- کاتوزیان، همایون (۱۳۸۰)، **تضاد دولت و ملت، ترجمه طبیب، تهران، نشر نی**
- کاتوزیان، همایون (۱۳۸۶)، **ایران جامعه کوتاه مدت و سه مقاله دیگر، ترجمه کوثری، تهران، نشر نی**
- الکوارى، على خليفة. (۲۰۰۱) **مفهوم المواطنة في الدول القومية، مجلة المستقبل العربية، العدد ۷، البحرين.**
- کسنوی، شادی، (۱۳۹۶) **بررسی قاعده فقهی «حرمت اکل مال به باطل» از دریچه حقوق و اقتصاد، فقه و اصول، سال ۴۹، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۱۱، صص ۱۱۱-۱۳۴**
- لک زایی، نجف (۱۳۹۰). **فقه و امنیت. فقه. ۷۰/۱۸، ۴۵-۸۶**
- مجلسی، علامه، (۱۳۱۵) **بحارالانوار، ج ۷۸، حکمت، دارالکتب الاسلامیه.**
- محمد بن مکرّم بن منظور (۱۹۹۷) **لسان العرب، مادهٔ أ، بیروت، دار صادر للنشر**
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴)، **قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی**
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۱)، قواعد فقه (بخش مدنی)**، تهران، سازمان سمت
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۹) **تفسیر نمونه، ج ۱۰، انتشارات دارالکتب اسلامیة**
- منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷)، **مبانی فقهی حکومت اسلامی (جلد ۷)**، ترجمه صلواتی، قم، کیهان
- منتظری، حسینعلی (۱۳۶۸)، **مبانی فقهی حکومت اسلامی (جلد ۸)**، ترجمه صلواتی، قم، کیهان
- نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴) **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴، جلد ۲۲**
- نهج البلاغه، (۱۳۸۱) ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات حضور، خطبه دوم، بند ۳ تا ۱۰.**
- Cherneva Boyka Ivaylova(2017), **Legal Security as a Principle in Lawmaking, Globalization, the State and the Individual, No 2(14)/2017,pp: 23-29,**
- file:///C:/Users/asus/Desktop
- Human Security Handbook, (2017), **United Nations Trust Fund for Human Security p. 7.**
- Available at:
- <https://www.un.org/humansecurity/wp-content/uploads/2017/10/h2.pdf>, pp: 7.

Rhonda Powell(2012), THE CONCEPT OF SECURITY, See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/263662107>,pp:1-20

Murray, Williamson and Mac Gregory Knox and Alvin Bernstein (1994) the mocking of strategy. Cambridge: Cambridge university press. 1994. Chaps.1-3-7.